

هویت‌شناسی تحول نقوش اسطوره‌ای در فرش ایرانی در تعامل با هنر مشرق زمین

پرناز گودرزپروری*

استادیار گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

اسطوره بخشی از ارزش‌های فرهنگی هر جامعه هستند و اسطوره‌وآیین را باید به مثابه ارزش‌های فرهنگی داوری کرد. در جوامع ابتدایی اسطوره را بازیگر حقیقت مطلق قلمداد می‌کردند زیرا باور بر این بود که اسطوره راوی تاریخی مقدس است. از دیرباز، هنر بومی بستری مناسب برای ظهور نمادین اسطوره بوده است و در هم تنیدگی هنر و اسطوره‌آنگاه اهمیت خود را هویدا می‌سازد که از پس درک و شناخت اسطوره‌های مختلف، پژوهشگران به این واقعیت دست‌یازیده‌اند که مفاهیم اسطوره‌ای، جایگاه خویش را در ارکان، مبانی و اصول کارکردهای هنری تحکیم نموده‌اند. در اندیشه اسطوره‌ای هنر شرقی، همه نشانه‌ها دارای یک قدرت جادویی هستند که بشر همواره در تلاش بوده است تا از طریق ترکیب یا تکرار این نشانه‌ها که ریشه در اعتقاد راسخ به آنها دارد، به آن دست‌یابد. در میان هنرهای بومی ایران زمین، موضوع فرش ایرانی را می‌توان یکی از زمینه‌های شاخص برای بروز و تداعی نقوش اسطوره‌ای نامید. پژوهش پیش‌رو می‌کوشد با نگرشی بر سیر تحول نقوش اسطوره‌محور در فرش ایرانی، به ویژه در دوران ایلخانی و تیموری، تعامل متقابل هنرمندان ایران زمین و مشرق زمین را مرور و تحلیل نماید. بر این اساس با تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر باقی‌مانده از فرشهای مربوط به این سلسله‌ها، نقوش اسطوره‌ای منبعت از باورهایی آیینی چینی و ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در برخی موارد به دلیل فقدان آثار فرش به جا مانده از آن دوران، ناگزیر از آثار هنر تجسمی مربوط به آن زمان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. تلفیق نفوذ باورهایی آیین اسلام در هنر فرش ایرانی و نفوذ سیاسی ناشی از

* P.godarzparvari@iauctb.ac.ir